



بررسی موضوعی
سروده های تبری نیمایوشیج

منصور علی اصغری

چهار خنجر

بررسی موضوعی
سروده‌های تبری نیمایوشیج

منصور علی اصغری

چاپ نخست - ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

طراح جلد: صغری ابراهیمی

صفحه آرای: انتشارات هاوژین

هر گونه استفاده و بهره‌برداری از این اثر

منوط به دریافت اجازه از

پدیدآورنده آن می‌باشد.

سرشناسه: علی اصغری تویه، منصور / ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور: نیمای تبری، منصور علی اصغری
مشخصات نشر: ساری: منصور علی اصغری تویه، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۳۴ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۲۴-۳۰۲۵-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:

<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۴۹۸۰۵



www.ketab.ir

پیشگفتار / ۷

تبری، گویش یا زبان / ۱۰

شرایط اجتماعی دوران نیما / ۱۳

توجه به زبان مادری و زادگاه / ۱۹

خانواده / ۲۳

وصف خود و تبار خود / ۲۷

رنج نیما / ۳۳

دغدغه بیداری / ۳۹

گله از نامردی‌ها / ۴۳

باورها / ۵۱

ارسال‌المثل‌ها / ۵۷

صنایع ادبی / ۶۳

عاشقانه‌ها / ۶۹

اضطراب / ۷۳



امید و انتظار / ۷۷

مرگ / ۸۱

اقوام، شخصیت‌ها، اماکن / ۸۳

نگاه فلسفی و عرفانی / ۹۳

نمادها و حیوانات / ۹۷

دیو مازندران / ۱۰۷

گیاهان / ۱۱۳

شعر و شاعری / ۱۱۵

تأثیرپذیری از امیر پازواری / ۱۱۷

تأثیر زبان و اشعار تبری در اشعار فارسی نیما / ۱۲۵

سخن پایانی / ۱۲۹

کتاب نامه / ۱۳۱



پیش گفتار

متأسفانه زبان تبری، سال‌هاست که در معرض خطر نابودی قرار دارد. اما در این بین، انسان‌هایی علاقه‌مند به فرهنگ و زبان تبری بوده‌اند، که عمر و همت خود را صرف زنده نگاه داشتن آن نموده‌اند. نیما یوشیج، پدر شعر نوین فارسی، یکی از آنهاست. او سال‌ها در اندیشه‌ی راهی بود که بتواند زبان سرزمین مادری‌اش را احیاء نماید؛ جمع‌آوری کتب خطی درباره تاریخ و ادبیات تبرستان، تهیه دیوان امیر پازواری، و مطالعه بر روی آن‌ها، تلاش برای نوشتن دستور زبان تبری و کتاب تاریخ ولایتی، از جمله‌ی این کوشش‌هاست. دغدغه‌ی اصلی نیما حفظ و احیاء زبان تبری بود. او در نامه‌ها، دست نوشته‌ها، و در مقدمه‌ی دفتر «روجا»، به این دغدغه اشاره می‌کند. نیما در نامه‌هایی که به برادرش می‌نویسد، سه‌بار از وی می‌خواهد که تاریخ طبرستان و دیوان امیر پازواری را برایش تهیه کرده و ارسال نماید.

مهم‌ترین گام نیما، در راه زنده نگاه داشتن زبان تبری، سرودن اشعار تبری در مجموعه‌ای بانام «روجا» می‌باشد. این اشعار، منبعی غنی از واژگان، ترکیب‌ها، باورها، آیین‌ها، ضرب‌المثل‌ها و نمادهای تبری است، که نشان از تلاش مؤثر او در این راه دارد.

این دغدغه، حتی در اشعار فارسی نیما نیز او را رها نمی‌کند؛ شعرهای فارسی او سرشار از لغات تبری است که نیما به شکل ماهرانه‌ای، آن‌ها را وارد زبان فارسی





کرده است، لغاتی نظیر: پلم (نوعی گیاه)، تیرنگ (قرقاول)، نوکا (نوعی پرنده)، داروگ (قورباغه درختی)، مازو (نام درخت)، شماله (مشعل)، مالا، مولا (ماهگیر)، نپار (خانه‌ی گالی‌پوش)، سیو لیشه (سوسک سیاه)، اوجا (نام درخت).
او در مقدمه‌ی «روجا» می‌گوید:

«مثل همه‌ی مردم، من حرف خود را می‌زنم. اگر آن‌ها زبان خود را مخلوط کرده‌اند. من هم مخلوط می‌کنم. اما حرص دارم با کلماتی مخلوط شود که قبیله‌ی من دارد آن‌ها را فراموش می‌کند.» (یوشیج، ۱۳۷۵: ۶۱۳)

آرزوی نیما نوشتن دستور زبان تبری بود که اجل به او مهلت نداد. اما او با سرودن اشعار تبری، منبعی غنی از واژگان، ترکیب‌ها، باورها، آیین‌ها، ضرب‌المثل‌ها و نمادهای تبری ارائه می‌دهد که گامی موثر در زنده نگاه داشتن زبان مادری‌اش است.

نیما یوشیج، در سال‌هایی که تلاش خود را بر روی نوسازی پایه‌های شعر فارسی متمرکز کرده بود، از دغدغه‌ی مهم درونی‌اش، یعنی: زنده نگاه داشتن زبان مادری، غافل نبود. این دغدغه را می‌توان در مقدمه‌ی دفتر «روجا» که مشتمل بر ۴۵۴ دوبیتی به زبان تبری، که سروده‌ی اوست، مشاهده کرد. نیما در این متن، باعنوان: «می‌آتا گپ» (یک حرف من) که در بهمن ۱۳۱۸ نوشته می‌گردد: «مثل همه‌ی مردم، من حرف خود را می‌زنم. اگر آن‌ها زبان خود را مخلوط کرده‌اند من هم مخلوط می‌کنم. اما حرص دارم با کلماتی مخلوط شود که قبیله‌ی من دارد آن‌ها را فراموش می‌کند.» (یوشیج، ۱۳۷۵، ۶۱۳)

او، در طی این سال‌ها، مشغول جمع‌آوری منابع برای هدف‌اش بود؛ درخواست‌های مکرر از برادرش لادین که در شوروی زندگی می‌کرد، جهت تهیه و فرستادن کتاب‌های: «تاریخ طبرستان» و «دیوان امیرپازواری» که توسط «برنهار دارن» در سن پترزبورگ به چاپ رسیده بود، تلاش برای نوشتن «دستور زبان تبری»،

«تاریخ ادبیات ولایتی»، استفاده از واژگان تبری در اشعار فارسی‌اش، رها کردن شهر و پناه بردن به «یوش» و زندگی در میان مردم زادگاهش، همه و همه، نشان دهنده‌ی وابستگی زیاد نیما به فرهنگ و زبان تبری است. او برای رسیدن به این هدف گام‌هایی را برداشته بود که اجل، به او مهلت نداد تا آن را به سرانجام برساند.

اشعار تبری نیما یوشیج نیز در زمان حیات او فرصت چاپ نیافت و این بخش مهم و فراموش شده‌ی آثارش، سال‌ها پس از خاموشی وی، سال ۱۳۷۰ در «مجموعه‌ی کامل اشعار نیما یوشیج» با عنوان: «روجا، دفتر شعارهای طبری» و با ترجمه‌ی فارسی: علی پاشا اسفندیاری و مجید اسدی (هرچند با غلط‌های واژگانی و ترجمه‌های نادرست) به چاپ رسید. «روجا» (ستاره راهنمای صبح گاهی) به حق، نام با مسمایی است که برای اشعار تبری نیما برگزیده شده است. هدف نیما از سرودن اشعار با زبان تبری، به یقین، تفتن و سرگرمی نبوده و چند هدف مهم در پس این کار داشته است؛ زنده نگاه داشتن زبان تبری، آیین‌ها، باورها، فرهنگ و تاریخ سرزمین مادری، از جمله‌ی این اهداف می‌باشد.

«روجا» را می‌توان یک فرهنگ نامه‌ی تبری نامید. نیما در اشعار تبری‌اش علاوه بر وصف تاریخ خانوادگی و رنج و دلتنگی‌های خود، از طرفی، تصویری واضح از شرایط اجتماعی حاکم بر مازندران، اقوام، شخصیت‌ها و اماکن گوناگون باورها نمادها، حتی حیوانات و گیاهان ارائه داده و از طرفی دیگر، می‌کوشد تا مردم را از خواب غفلت بیدار کرده و با ایستادگی در برابر اربابان و زورگویان، حق خود را از آنان بگیرد.

بنابراین، نیما یوشیج را می‌توان، علاوه بر پدر شعر معاصر، «احیاء گر زبان تبری» نیز نامید. هدف این کتاب، بررسی موضوعی سروده‌های این بزرگ مرد تبری در دفتر «روجا». و واکاوی اندیشه‌های پنهان و کم‌تر دیده شده نیما می‌باشد. تصحیح این سروده‌ها مدّ نظر نبوده، هرچند کوشش شده غلط‌های بارز و ترجمه‌های نادرست، در حد مقدور اصلاح گردد.

